

بازی با تشکیلات

خاطرات بهزاد جهانگیری
عضو سابق فرقه بهائیت

بازنویسی و تنظیم:

جواد نوائیان رودسری



دفتر پژوهش مؤسسه فرهنگی هنری خراسان
www.rasad.org

سرشناسه: جهانگیری، بهزاد، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور: بازی با تشکیلات : خاطرات بهزاد جهانگیری عضو سابق فرقه بهائیت
بازنویسی و تنظیم: جواد نوائیان رودسری
مشخصات نشر: مشهد: موسسه فرهنگی هنری خراسان، ۱۳۹۱.
مشخصات طاهری: ۱۲۲ ص.
شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۳۱۹۰۰۸ : ۹۷۸۶۰۰۰۵۰۰۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: جهانگیری، بهزاد، ۱۳۴۶ --- خاطرات
موضوع: بهائیان -- ایران -- سرگذشتنامه
شناسه افزوده: نوائیان رودسری، جواد
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۹۱۳ ج/ BP۳۹۵
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۶۴۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۶۰۴۹۵

کتاب رصد ۵

بازی با تشکیلات

خاطرات بهزاد جهانگیری

عضو سابق فرقه بهائیت

بازنویسی و تنظیم: جواد نوائیان رودسری

صاحب امتیاز: دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان

مشهد مقدس، بلوار شهید صادقی (سازمان آب)، نبش شهید صادقی ۳۰

ساختمان شماره ۳ روزنامه خراسان

تلفن: ۰۵۱۱-۷۶۳۴۰۰۰ www.rasad.org

ناشر: انتشارات موسسه فرهنگی هنری خراسان

چاپ: شهر چاپ روزنامه خراسان

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۹۰۰۰۰۸

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

همه حقوق محفوظ است.

فهرست مطالب

۶	مقدمه
	فصل اول: آغاز ماجرا
۱۰	رهایی از تشکیلات
۱۱	تفتیش منزل
۱۲	هیچ کس از ماجرای اداره مفاسد اجتماعی خبر نداشت
۱۳	توطئه به نام ایمان!
	فصل دوم: عشق‌هایی که ذبح می‌شوند
۱۸	اشک‌های مهنار
۱۹	خیال عبث
۲۰	تماس‌هایی که بر سرمان خراب شد
۲۱	هشدارهای امنیتی
۲۴	تشکیلات، سیاست‌بازی و دیگر هیچ!
۲۵	صلح اکبر و اصغر و ساختمان بیت‌العدل
۲۶	پیشگویی‌های آب دوع خیاری
۲۶	دم خروس بیت‌العدل
۲۷	آخرین یادداشت برای مهنار
	فصل سوم: بارقه‌های امید
۳۲	از دواج با مهسا
۳۳	حضور مشکوک مادر
۳۴	تماس جناب عزرائیل!
۳۶	اجرای قسمتی از یک نقشه
۳۶	جمهوری اسلامی زیر نظرت داره!
۴۰	بازی جدی می‌شود
۴۳	شعاعی از نور هدایت
۴۵	ما عاشق جمال مبارکیم!

فصل چهارم: نفوذ در تشکیلات

- ۵۰..... رابطه‌ها بیشتر می‌شود
- ۵۱..... ورود به خانه سازمانی
- ۵۷..... رو در رو یا تشکیلات
- ۵۹..... حضرت عبدالبهاء دوباره نظر لطف می‌کند
- ۶۱..... دایی مظفر و نقشه‌های تازه
- ۶۲..... دامی که در خانه دایی پهن شده بود

فصل پنجم: آیه‌هایی که نازل می‌شدند

- ۶۸..... نزول مناجات
- ۷۲..... ازدواج، دام جدید، تشکیلات
- ۷۴..... دوست داری دوباره بهائی بشی؟
- ۷۸..... نظر لطف جمال مبارک بیشتر می‌شود

فصل ششم: تحفه جدید تشکیلات

- ۸۴..... فروزان، همسر ناصرخان
- ۸۶..... فروزان قید فرزندانش را می‌زند
- ۸۷..... تحفه‌ای که برگشت خورد

فصل هفتم: آغاز بازی

- ۹۲..... باید التماسش را بیشتر کنی
- ۹۵..... آشی که برای تشکیلات پخته شد!
- ۹۸..... تیری که به هدف خورد
- ۱۰۲..... طرحی برای به بند کشیدن روح
- ۱۰۴..... جلسه نهایی تشکیلات
- ۱۰۹..... از اسلام فاطمه تا مسلمانی پروین
- ۱۱۱..... اعترافات یک بهائی
- ۱۱۲..... زندگی دوباره
- ۱۱۵..... پشت پرده زندگی بهائیان
- ۱۱۶..... دلایلی برای گریز
- ۱۱۸..... حرف آخر



مقدمه

بهزاد جهانگیری فردی است که با دریافتن پوچی و بی‌مایگی فرقه سیاسی بهائیت از آن بریده و به دامن اسلام پناه آورده است؛ او به همراه همسر سابقش خانم مهناز رثوفی - که برای خوانندگان و علاقه‌مندان به این گونه خاطرات، نام شناخته شده‌ای است - با وجود دام‌های متعدد فرقه برای مجبور ساختن ایشان به بازگشت، توانستند پس از تحمل رنج و مشقت فراوان و پرداخت بهای سنگین جدایی از خانواده، اسلام را به عنوان پلی نجات‌بخش برای رسیدن به رستگاری در قلب خویش محفوظ دارند. خاطرات ایشان چندسال پیش به وسیله یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور و به شکل پاورقی به چاپ رسید و مورد استقبال علاقه‌مندان قرار گرفت، به گونه‌ای که مجموعه این خاطرات در قالب یک کتاب گردآوری گردید.^۱ با این حال سال‌های پس از انتشار کتاب نیز سال‌هایی توأم با سختی و رنج برای او بوده است.

۱. کتاب «هشت دیوار تشکیلات»، انتشارات کیهان

جدایی او از همسر سابقش که در حقیقت ازدواجی تشکیلاتی محسوب می‌گردید و هیچ یک از دو طرف از ابتدای کار راضی به زندگی با طرف مقابل نبود، سال‌های توأم با مشکلات مالی، تنهایی و در کنار آن فشارهای متوالی تشکیلات، برای بهزاد جهانگیری دورانی را رقم زد که به مراتب سخت‌تر از دوره‌ای است که وی به نگارش خاطراتش پرداخته است. همین علت و نیز برنامه‌هایی که وی برای نفوذ مجدد به تار و پود تشکیلات برای رسوایی بیشتر فرقه ضاله بهائیت پی‌ریزی می‌کند، دست‌مایه نگارش مجموعه دوم خاطرات وی می‌شود که ما برآنیم تا آن‌ها را در اختیار شما خوانندگان فرهیخته قرار دهیم. پیش از شروع بد نیست کمی راجع به سرگذشت بهزاد جهانگیری بدانیم.

او متولد شهر همدان است. شغل اصلی و خانوادگی‌اش عینک‌سازی است، اما کتابخانه‌ای دارد که در آن به فروش و کرایه دادن کتاب به علاقه‌مندان می‌پردازد. اگر چه برخی از اقوام دور او مسلمانند، اما عموم خانواده وی بهائی بوده و برخی از آن‌ها مانند خاله و دایی‌اش از اعضای مهم این فرقه و مسئول امور آن در شهر همدان محسوب می‌شوند. ایشان سال‌ها قبل بر اساس منویات فرقه با خانم مهناز رئوفی ازدواج کرد؛ ازدواجی که در آن هیچ اثری از عنصر علاقه وجود نداشت و لاجرم پس از رهایی از بند فرقه، به جدایی منجر شد. حاصل این ازدواج، دختری به نام شکیباست. ایشان پس از جدایی از همسر اول، مجدداً ازدواج کرده و اکنون به همراه همسرشان در همدان ساکن هستند.

میل و رغبت ایشان در گرایش به اسلام، جدا از درک ماهیت دروغین و پوشالی فرقه سیاسی بهائیت و نیز ظلمها و تعدیاتی که از سوی سران فرقه بر او رفته، لطف و عنایت امام هشتم (علیه السلام) است؛ زمانی که بهزاد جهانگیری هنوز عضوی از فرقه به حساب می‌آمد و در جریان یک تصادف رانندگی،

بهزاد جهانگیری در آن تصادف، آسیبی جدی می‌بیند تا جایی که پای راستش در معرض قطع شدن قرار می‌گیرد. پزشکان به او توصیه می‌کنند تا هر چه زودتر نسبت به قطع پایش اقدام کند، اما او با اشاره فردی متوجه آستان غریبنواز سلطان سریر ارتضا، امام رضا (علیه السلام) شده و شفای خود را از ایشان می‌طلبد؛ بهبودی نسبی و رها شدن موقت از درد و رنج، میل و کشش درونی عجیبی را برای نزدیکی به امام رئوف

در او ایجاد می‌کند و این رغبت، گوهری گران‌قدر به نام اسلام را به او هدیه می‌دهد. این تغییر رویه باعث شد خانواده او را طرد کند، اما او که همه این رنج‌ها را به جان خریده بود با یافتن دوستانی صمیمی توانست ماهیت خویش را باز یابد و به زندگی‌اش سر و سامانی دهد و به نوشتن خاطراتی بپردازد که حکایت از رنج و سختی‌های وارده از سوی فرقه ساخته‌گی بهائیت بر روح و جسم افرادی چون اوست.

وقوع ماجراهای جدید در زندگی او اتفاقاتی را رقم می‌زند و سختی‌های جدیدی را فرا روی او قرار می‌دهد، اتفاقاتی که مجموعه حاضر شرح و بیان آن‌ها است.

پیش از آنکه سخی را آغاز کنیم، باید یادآور شویم که هدف ما از ارائه این خاطرات قهرمان‌سازی نیست. جهانگیری نیز مانند هر انسانی، فراز و فرودهایی را در زندگی داشته و نمی‌توان از او انتظار داشت تا در تمام شرایط رفتاری ایده‌آل داشته باشد، اما نگاه دقیق به خاطرات او می‌تواند عبرت‌های گرانسنگی را برای هرآنکه می‌خواهد راهی بیابد فراهم آورد.

این مجموعه پیش از این به همت دفتر پژوهش موسسه فرهنگی و هنری خراسان، به صورت باورقی در روزنامه خراسان، در بیش از سی قسمت به چاپ رسید و مورد استقبال علاقه‌مندان نیز قرار گرفت که چاپ و انتشار آن در قالب یک کتاب، پاسخی به درخواست‌های مکرر علاقه‌مندان می‌باشد. امید آنکه این مجموعه رضایت مخاطبان را فراهم آورد.

جواد نوائیان رودسری

دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان